

روایتی از چهارنوجوان «یکی مثل ما» در سالی که گذشت

از کهکشان‌ها تا فناوری‌های نوین

«مبین خجسته؛ بازی ساز نوجوانی که

آینده را می‌سازد

مبین خجسته، یکی از چهره‌های جوان و برجسته صنعت بازی سازی ایران، در ۱۸ سالگی به موفقیت‌هایی رسیده که بسیاری در تمام عمر خود به آن دست نمی‌یابند. از کودکی، دنیای دیجیتال برایش جذاب بود اما چیزی که او را از دیگران متمایز کرد، تلاش و پشتکار بی‌وقفه‌اش برای تبدیل علاقه به مهارت بود. اولین باری که مبین پای یک کنسول بازی نشست، جرقه‌ای در ذهنش زده شد اما برخلاف بسیاری که تنها به مصرف‌کننده بازی‌ها تبدیل می‌شوند، او تصمیم گرفت که خالق باشد. در سن ۷ سالگی، وقتی دیگران در دنیای کودکانه خود غرق بودند، او به تحقیق و جست‌وجو درباره چگونگی ساخت بازی‌ها پرداخت. مبین مسیر خود را بدون هیچ کلاس یا استاد راهنمایی آغاز کرد. او با آزمون و خطا، از اینترنت و کتاب‌ها یاد گرفت. زمانی که تنها ۱۲ سال داشت، اولین تیم بازی سازی خود را تشکیل داد و این نقطه عطفی در زندگی حرفه‌ای‌اش بود. در ۱۶ سالگی، به عنوان یکی از کارآفرینان برتر کشور شناخته شد و در برنامه‌های

تلویزیونی حضور یافت اما آنچه او را بیش از پیش متمایز کرد، تصمیم بزرگش برای ماندن در ایران بود. با وجود پیشنهاد‌های وسوسه‌انگیز از سوی شرکت‌های بزرگ، او انتخاب کرد که در کشور خود بماند و به رشد صنعت بازی سازی ایران کمک کند. او بازی‌هایی با محتوای استراتژیک و نوستالژیک خلق کرده که مورد استقبال گسترده قرار گرفته‌اند اما مبین تنها به ساخت بازی اکتفا نکرده، بلکه در زمینه نرم‌افزارهای کاربردی نیز فعال بوده است. با بیش از ۱۰۰ نرم‌افزار منتشر شده، او نشان داده که موفقیت تنها با پشتکار و عشق به کار به دست می‌آید.



«امیرمحمد مرادی؛ نابغه‌ای

در خدمت ایمنی خودرو

امیرمحمد مرادی، نوجوانی است که هنوز به سن قانونی رانندگی نرسیده اما برای صنعت خودرو دستاوردی جهانی به ارمغان آورده است. علاقه او به مکانیک از سنین کودکی آغاز شد. درحالی‌که بسیاری از هم‌سن‌هایش درگیر سرگرمی‌های متداول بودند، او ترجیح می‌داد وقتش را در یک تعمیرگاه بگذراند و از نزدیک با سازوکار خودروها آشنا شود. حرفه مکانیکی، ذهن او را به چالش کشید و باعث شد ایده نوآورانه‌ای به ذهنش خطور کند: «کمربند ایمنی هوشمند». او متوجه شد که در بسیاری از تصادفات، مسافران به دلیل بسته ماندن کمربند، درون خودرو گرفتار می‌شوند. همین موضوع باعث شد تا ایده یک کمربند هوشمند را مطرح کند که در لحظه تصادف، به طور خودکار باز شود و امکان خروج سریع‌تر و ایمن‌تر را برای سرنشینان فراهم کند. امیرمحمد با تلاش و تحقیق فراوان، موفق شد نمونه اولیه این کمربند را طراحی کند و آن را در فستیوال جهانی امنیت خودرو در امارات ارائه دهد. نتیجه شگفت‌انگیز بود: مدال طلای جهانی! اما برخلاف انتظار، این افتخار در کشور خودش چندان مورد توجه قرار نگرفت. حتی مدرسه او حاضر نشد یک بنر ساده برای قدردانی از او نصب کند. با این حال، امیرمحمد ناامید نشد. او همچنان با انگیزه بیشتر به تحقیقات خود ادامه می‌دهد و معتقد است که علم، علاوه بر دانش، می‌تواند ثروت آفرین باشد.



حال که وارد سال یک هزار چهارصد و چهار شده‌ایم، نوشتن این چهار روایت از یکی مثل ماهایی که در سال گذشته مصاحبه با آنها منتشر شد، برای من نویسنده مثل یک توتل زمان بود. من می‌نویسم روایتی از چهار نوجوان برتر سال گذشته اما شما بخوانید روایت چهار نوجوان از چهار میلیون نوجوان ایرانی موفق و سربلند که در یکی از خانه‌های این کشور در حال زندگی و تلاش برای ساختن آینده خود و این کشور هستند. این عزیزان تنها نوجوانان موفق کشور نیستند اما مطمئناً مشتم نمونه خروار است. ما در نوجوانه جام جم، سخت به دنبال پیدا کردن نوجوانانی هستیم که راه خودشان را پیدا کرده‌اند و در این مسیر سخت تلاش می‌کنند. این شما و این برگزیده‌های صفحه یکی مثل ما در نوجوانه ۱۴۰۳!

امیرحسین علی‌نیافر

نوجوانه



«علی نادری؛ سفری از زمین تا ستارگان

علی نادری، نوجوانی است که در مسیر دانش و تلاش، ستاره‌ای درخشان شد. از همان دوران کودکی، به دنیای ناشناخته‌ها علاقه داشت اما گمان نمی‌کرد که روزی نامش در المپید نجوم بدرخشد. علاقه او ابتدا به برنامه‌نویسی و علوم کامپیوتر بود اما وقتی در کلاس معارفه المپید نجوم حضور پیدا کرد، جرقه‌ای در ذهنش زده شد. در آن لحظه، گویی آسمان شب با تمام ستارگانش او را به خود خوانده بود. علی تصمیم گرفت که مسیرش را تغییر دهد. او معتقد است که پذیرش تغییر، جسارت می‌خواهد و نباید در یک مسیر از پیش تعیین شده متوقف شد اما این تغییرات نباید بی‌هدف باشند؛ بلکه باید با درک صحیح و برنامه‌ریزی آگاهانه انجام شوند. او شب‌های زیادی را زیر نور چراغ مطالعه، غرق در معادلات اخترفیزیک و اسرار کیهانی گذراند. هر سختی، هر مانع، برای او تنها آزمونی بود برای صیقل دادن اراده‌اش. نجوم برای علی تنها یک علم نبود، بلکه راهی برای درک گذشته و آینده جهان بود. او این رشته را دروازه‌ای به سوی کشف عظمت بی‌پایان هستی می‌داند اما در این مسیر، تنها علاقه کافی نبود؛ علی با برنامه‌ریزی دقیق، ساعت‌های متمادی مطالعه و تحمل سختی‌ها، توانست به قله‌های علمی دست یابد. او بارها شکست خورد اما هر بار قوی‌تر از قبل برخاست. در نهایت، مدال طلای المپید نجوم، پاداشی بود برای تمام آن شب‌بیداری‌ها و تلاش‌های خستگی‌ناپذیرش.



«هلیا دانش‌پژوه؛ دختری که دنیای ربات‌ها را فتح کرد

هلیا دانش‌پژوه، نوجوانی که از سال سوم دبستان به دنیای رباتیک وارد شد، اکنون با چهار مدال طلای جهانی، یکی از افتخارات کشور محسوب می‌شود. او از همان ابتدا، به تکنولوژی و سازوکار دستگاه‌های هوشمند علاقه داشت اما این علاقه، با تشویق خانواده و استعدادیابی مربیان، به مسیری جدی تبدیل شد. اولین رباتی که ساخت، یک ربات آتش‌نشان بود که برای اولین مسابقه رسمی خود طراحی کرد. این ربات، راه او را برای رسیدن به مدال نقره اولین رقابتش هموار کرد اما این تنها آغاز راه بود. هلیا یاد گرفت که برای موفقیت، باید صبر و پشتکار داشت. ساخت یک ربات، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، آزمایش‌های فراوان و رفع ایرادات متعدد است. هلیا معتقد است که مهارت‌های رباتیک، نه تنها در حوزه فنی، بلکه در زندگی روزمره نیز کاربرد دارند. او می‌گوید که این مسیر به او اعتماد به نفس و مهارت حل مسئله را آموخته است. او آرزوی ساخت رباتی را دارد که بتواند به کودکان اوتیسمی کمک کند، زیرا باور دارد که فناوری باید در خدمت انسان باشد. این چهار نوجوان، هر یک در مسیر خاص خود، آینده‌ای را ترسیم کرده‌اند که فراتر از مرزهای معمول است. از ستاره‌ها تا بازی‌های دیجیتال، از ایمنی خودرو تا دنیای ربات‌ها؛ هر کدام داستانی دارند که نه تنها الهام‌بخش است، بلکه نشان‌دهنده ظرفیت‌های بی‌نظیر جوانان این سرزمین است. به امید افتخار آفرینی هریک از نوجوانان ایرانی در سال جدید تا من به عنوان نویسنده این صفحه و ما، یعنی تیم نوجوانه جام جم از درخشش نوجوانان عزیز کشورمان هر شماره، مطلبی از جنس یکی مثل ما تولید کنیم و در نهایت لذت ببریم از این که در هوایی تنفس می‌کنیم که نوجوانانی باهوش و آینده‌دار در زیر آسمان آبی ایران نفس می‌کشند.

